



چهارشنبه اول مرداد ۱۴۰۴  
وطن امروز | شماره ۴۳۷۱

## فرهنگ وهنر

### به عبارت دیگران

## با همان عضوی که گناه کردید، بندگی کنید

آیت‌الله‌العظمی آخوند ملاعلی همدانی (ره) می‌فرمودند: وقتی با پامعصیتی انجام دادی آن را ببا رفتن به مسجد و مجالس

حسینی جبران کن، با چشم گناه کردی آن را با گریه از خوف خداوند متعال و گریه بر مصائب ائمه اطهار علیهم‌السلام جبران کن، با گوش معصیت کردی با شنیدن فضایل ائمه علیهم‌السلام و فضایل علی‌بن‌ابی‌طالب علیهم‌السلام جبران کن.

نقل است که ایشان هر شب قبل از خواب زیارت جامعه کبیره می‌خواندند و غالباً در سجده نماز می‌گفتند: «اللهم اخرج حبّ الدنيا من قلوبنا و زد فی قلوبنا محبّه امیرالمؤمنین علیه‌السلام».

سیدصادق فاضلیان / یاد فنا  
خاطرات آیت‌الله العظمی آخوند ملاعلی همدانی (چاپ دوم، انتشارات دارالهدی، ۱۳۹۲)  
صفحات ۹۰ و ۹۳

### دودوزهباز مثل انگلیس

ایکی از مقامات بلندپایه دولت انگلیس به من گفت: می‌دانی فلانی! اصل حقیقت این است که وقتی ما در سال ۱۹۵۷ به کانال سوئز و مصر حمله کردیم و سر آنتونی ایدن نخست‌وزیر بود، همان وقت بی‌بی‌سی از جمال عبدالناصر تعریف می‌کرد. آن وقت این اصطلاح انگلیسی را گفت که: «We want to have force in both camps».

یعنی ما در هر دو موضع می‌خواستیم یک جایگاهی داشته باشیم و این سیاست ما است و این را ول نخواهیم کرد. ما از یک‌طرف، نعتنیا با دولت شاهنشاهی ایران، بلکه با دولت‌های دیگری که در خاورمیانه هستند خیلی خویم، از یک‌طرف با تمام مخالفان آنها خیلی خویم که هر کسی برنده شود بالاخره ما برنده خواهیم شد.

سیدحسین نصر/ حکمت و سیاست  
مجموعه تاریخ شفاهی و تصویری ایران معاصر  
انتشارات کتابخانه ملی – جلد اول، صفحه ۳۶۲

### مرد هزاره و پای شتر

تحقیر و ارباب هزاره‌ها آشکارا اعمال می‌شد؛ آنان شهروندان درجه دوم به حساب می‌آمدند و در عمل – اگر نه به صورت رسمی – تقریباً تمام حقوق و حمایت‌های قانونی از آنان سلب شده بود. به عنوان مثال، طی دوران نخست‌وزیری شاه‌محمود (۵۱-۱۹۴۶م/۳۰-۱۳۲۵ش) یکی از اعضای عموهای ظاهرشاه، در نزاعی که بین کوچی‌های افغان و هزاره‌ها رخ داد، یک هزاره کشته شد و پای یکی از شتران کوچی‌ها زخم برداشت. دادگاه کابل دبه مرد هزاره را ۶۰۰ افغانی و جبران خسارت پای شتر کوچی را ۶ برابر آن یعنی ۳۷۰۰ افغانی تعیین کرد.

سیدعسکر موسوی و اسدالله شفاپی  
هزاره‌های افغانستان  
نشر اشک یاس – صفحه ۲۱۳

### در انتظار پایان امپراتور زردا

در روزگار امپراتور زرد، برخلاف امروز، جهان درون آیینیه و جهان انسان‌ها از هم جدا نبود. انسان می‌توانست از میان آیینیه آموذش کند. شیعی مردم آیینیه به جهان انسان‌ها حمله کردند. قدرت آنها زیاد بود، اما در پایان کارزاری خونین، جادوی امپراتور زرد برتری یافت. امپراتور مهاجمان را شکست داد و آنان را در آیینیه خودشان محبوس کرد و وظیفه پرملال تکرار اعمال انسان را به عهده آنها گذاشت.

اما روزی می‌رسد که باطل‌السرخی آنها را دوباره آزاد می‌کند. آرام‌آرام دیگر از ما تقلید نمی‌کنند، از آیینیه بیرون می‌آیند و این‌بار دیگر شکست نمی‌خورند.

خورخه لوئیس بورخس / کتاب موجودات خیالی  
احمد اخوت – انتشارات آرست – صفحه ۸۱

### طناب عمر ما

مرگ، قطعی است. از دست رفتن، قطعی است. روزها که می‌گذرند، مثل موش‌هایی هستند که طناب عمر ما را می‌چوند. خواه ناخواه سرنگون می‌شویم و در چاه‌هایی می‌افتیم و می‌گندیم. گذشت زمانه، ما را به خاک برمی‌گرداند، مگر اینکه قبلاً خودمان را بقایای داده باشیم و ذبح کرده باشیم.

علی صفایی حائری (عین‌صاد) / حقیقت حج  
انتشارات لیل‌القدر – صفحه ۱۱۶

### قله‌های رفیع یا تپه‌های ناچیز

زلیخا: عشق بزرگی که به آن نرسی به‌مراتب ارجمندتر است از عشق‌های کوچک قابل وصول. تپه‌ها همیشه قابل تسخیرند ولی عقاب‌ها بر قله‌های مرتفع آشیانه می‌سازند.

برای قله‌های رفیع، نفس رفتن مهم است نه رسیدن. در نفس عشق ورزیدن، لذتی است که شاید در وصال هم نتوان سراغی از آن گرفت. عشق آتشی است که ابتدا گرم می‌کند، بعد می‌سوزاند و سپس خاکستری از عاشق – نه، به جانی‌گذار، خاکسترش را هم بر باد می‌دهد. آدم اگر در مسیر قله‌ای رفیع زمین بخورد، بهتر از آن است که به فتح تپه‌های ناچیز دل خوش کند.

سیدمهدی شجاعی  
عقوب‌ترین یوسف یوسف‌ترین زلیخا  
انتشارات کتاب نیستان – صفحه ۴۵۷

### پیامبر اعظم(ص)

چنان با مردم مصاحبت داشته باش که خود دوست داری به همان گونه با تو مصاحبت کنند.

### روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی

صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: محمد آخوندی  
مدیر عامل: رضا شکیبایی  
سردبیر: سید عابدین نورالدینی

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر (عج)، کوچه سعید، پلاک ۹  
روابط عمومی: ۶۶۴۱۷۹۲ تلفن: ۶۶۴۱۷۸۳ تا: ۶۶۴۱۴۱۳۷  
پیام‌سان: vatanemrooz@ پست الکترونیک: info@vatanemrooz.ir  
چاپ: موسسه جام‌چم پرتز برنا توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰



بررسی علل و عوامل تکراری شدن چهره‌های سینمای ایران و عدم ظهور ستاره‌های جدید

# سینمای عقیم، ستاره‌های کم‌فروغ

شبه‌بحران گرفتار شده؛ بحرانی که نشانه‌ها و علل متنوعی دارد. ستاره‌ها و حتی گاهی چهره‌های فرعی مرتب تکرار می‌شوند، سن بازیگران حتی نسبت به نقش‌هایی که بازی می‌کنند مرتب بالاتر می‌رود، تعداد تولیدات ما نسبت به نیاز مخاطب داخلی کم است و طبیعتاً تماشاگران، این بازیگرها را بیشتر و تکراری‌تر تماشا می‌کنند، تکیه روی حضور چهره‌های مشهور به جای تمرکز روی فیلمنامه و خلق داستان‌های جذاب بیش از حد شده است، سیستم قابل قبولی برای کشف و معرفی ستاره‌ها در صنعت فیلم‌سازی ایران فعال نیست، ژانرها و حتی پیرنگ داستانی فیلم‌ها و سریال‌ها شدیداً تکراری شده‌اند و در این قالب حتی همان چهره‌های موجود هم مرتب تیپ‌های خودشان را تکرار می‌کنند و در جا می‌زنند. اینها مشکلاتی است که باعث شده صنعت فیلم‌سازی ایران در سال‌های اخیر با مشکل معرفی چهره‌های جدید مواجه شود. در ادامه به بررسی کلی تک‌تک این موارد پرداخته شده است.

دم‌پخت را بازی می‌کنند و مخاطب باید این چهره‌ها را از تبلیغات تلویزیونی و بیلبوردهای شهری تا چند فیلم و سریال هم‌زمان روی پرده و روی آنتن و در پلتفرم ببیند. در شرایطی که سینمای ایران بعد از ۲ سال پرتماشاگر، از ابتدای سال ۱۴۰۴ با افت محسوس مخاطب مواجه شده، سریال‌های تلویزیون چند سالی است که در مسیر افول به سر می‌برند و حتی صنعت نمایش خانگی امروز به وضوح رونق کمتری نسبت به سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ دارد، به روشنی می‌توان دریافت که توجهات تماشاگران نسبت به فیلم‌ها و سریال‌های داخلی کاهش یافته است؛ کاهشیه که رد علل آن را در ششون مختلفی از صنعت هنرهای تصویری می‌توان دید. یکی از این ششون که خصوصاً از طرف مخاطب عام اهمیت زیادی دارد، چهره‌های جلوی دوربین یا همان بازیگران اثر است، چراکه بازیگرها به عنوان ویرین هر فیلم و سریال، نخستین قلابی به شمار می‌روند که می‌تواند بیننده را جذب کند. قلاب بازیگران اما به نظر می‌رسد در سینما، تلویزیون و نمایش خانگی ایران، با یک بحران یا

چیست؟ به راحتی می‌توان پاسخ داد که به میدان آمدن و معرفی ستاره‌های جدید. این دقیقاً همان جایی است که صنعت فیلم‌سازی ایران در حال حاضر به مشکل خورده. دستمزد ستاره‌ها به شکل نجومی بالا رفته و فیلم‌ها و سریال‌های مادتهاست هیچ چیزی ندارند جز رقابت بر سر تأمین بودجه و جذب تعداد بالایی از این چهره‌ها در فهرست عوامل‌شان. فرمول‌های تجاری فیلم‌سازی در ایران طی سال‌های اخیر هر روز ساده‌تر شده‌اند و عمق راهبردی بلندمدت در آنها لحاظ نشده است. فرمول این است که بودجه مورد نظر تأمین می‌شود، چند چهره مشهور را جذب یک پروژه می‌کنیم و آنها را در موقعیت‌های جواب پس داده قبلی قرار می‌دهیم و تمام. در این فرمول ریسک ساده‌ترین خلاقیت‌ها هم پذیرفته نمی‌شود، چه رسد به آزمون و خطا برای جذب چهره‌های جدید و رساندن آنها به جایگاه ستاره شدن. حالا ما با فهرست محدودی از چهره‌های مشهور سینما و تلویزیون و نمایش خانگی مواجهیم که گاهی در ۵۰ یا حتی ۶۰ سالگی، نقش جوان‌های

جایی که صحبت از فیلم‌سازی به عنوان یک صنعت پول‌ساز می‌شود، حتماً پای ستاره‌ها هم به میان می‌آید. البته باید توجه کرد این عبارت غیر از فیلم‌های سینمایی، در معنای کلی‌ترش شامل سریال‌سازی هم می‌شود و بخش مهمی از آن چیزی است که معمولاً تحت عنوان صنعت سرگرمی مورد اشاره قرار می‌گیرد. ستاره‌ها با خودشان خاطرات آثار موفق قبلی را به فیلم یا سریال جدید می‌آورند و به رغم تفاوتی که نقش‌های‌شان با موارد قبلی دارد، از آنجا که هر کدام نمادی از یک تیپ شخصیتی خاص هستند، خودبه‌خود مخاطب را متوجه این می‌کنند که با چه نوع اثری مواجه است. حتی تغییر پارادایم آنها و پذیرفتن نقش‌های متفاوت هم به دلیل سابقه قبلی‌شان در ذهن تماشاگران است که جالب می‌شود. با این حال بزرگ‌ترین آفت کار ستاره‌ها این است که امکان دارد تکراری شوند و از مد بیفتند. چاره



مصطفی قاسمیان



دیده می‌شود! در این سریال نازنین بیاتی ۳۵ ساله نیز در نقش یک دانش‌جوی ۱۹-۱۸ ساله ایفای نقش می‌کند. در «کوتل مولوف» نیز امین حیایی ۵۵ ساله، ستاره پسیانی ۴۰ ساله، احمد مهرانفر ۵۰ ساله و یکتا ناصر ۴۶ ساله، نقش جوانان در معرض ازدواج را بازی می‌کنند! حال که صورت مساله روشن شد، اگر بخواهیم علل به وجود آمدن این بحران بازیگری را در کشورمان بررسی کنیم، احتمالاً به ۴ عاملی می‌رسیم که در ادامه می‌خوانید.



تا حد زیادی ناشی از نگاه صرفاً تجاری به سینماست، جایی که جذب مخاطب و بازگشت سرمایه به هر قیمتی در اولویت قرار دارد و رضایت تماشاگر، کمتر اهمیت می‌یابد. استفاده از بازیگران شناخته‌شده باعث می‌شود پروژه در مراحل اولیه تبلیغات نیز توجه بیشتری جلب کند. چهره‌های محبوب در شبکه‌های اجتماعی، رسانه‌ها و جشنواره‌ها همیشه بیشتر دیده می‌شوند و حضورشان می‌تواند هیجان و انتظار برای تماشای فیلم را بالا ببرد. سکه اصرار به استفاده از ستاره‌ها برای پر کردن خلأ فیلمنامه‌های قوی و خلاقانه بوده. بسیاری از تهیه‌کنندگان به این نتیجه رسیده‌اند که حضور یک ستاره پرفرمدار می‌تواند تضمین‌کننده فروش خوب یا حداقل توجهات کافی به اثر باشد، حتی اگر داستان فیلم یا سریال، جذابیت لازم را برای تماشاگران نداشته باشد. این رویکرد



نازنین بیاتی و محسن کیایی و چهره‌های ثابت درام‌های اجتماعی مثل شهاب حسینی، نوید محمدزاده، پریناز ایزدیار، بابک حمیدیان، سحر دولتشاهی و چند چهره دیگر، بر همین اساس و در حالی که ژانرهای مثل ورزشی، اکشن، ترساک، نوار، علمی – تخیلی و ماجراجویانه بسیار کم یافت می‌شود، بازیگرانی که متناسب با این ژانرها بتوانند نقش ایفا کنند نیز کم‌شمارند. هم‌زمان محدودیت در ژانر، باعث شده بازیگرانی که توانایی یا ظاهر متفاوتی دارند، کمتر فرصت ابراز وجود پیدا کنند و در نتیجه، چهره‌های یادشده بسیار پرکارند و در اغلب آثار مهم دیده می‌شوند.

بی‌شک یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر تنوع بازیگران در سینما، تنوع ژانر است. در شرایطی که ژانرهای متنوعی در سینما وجود داشته باشد، فرصت‌های بیشتری برای بازیگرانی با ویژگی‌های ظاهری، حرفه‌ای و سبک‌های متفاوت وجود خواهد داشت و در مقابل، محدود بودن ژانر‌ها مثل سینمای ایران می‌تواند به کاهش تنوع در این عرصه منجر شود. سینمای ایران که خصوصاً طی سال‌های اخیر، بیشتر روی ۲ دسته درام‌های تلخ اجتماعی و کم‌دیی‌های موقعیت‌تمرکز کرده، متناسب با این ۲ ژانر، ۲ دسته اصلی بازیگر دارد؛ چهره‌های ثابت کم‌دیی‌ها مثل رضا عطاران، پژمان جمشیدی، بهرام افشاری، الناز حبیبی،



دیده می‌شوند و امیرمهدی ژوله در حالی که هنوز رقابتش در «کارناوال» تمام نشده، «جزایر قناری» را روی پرده سینما می‌بیند و قرار است به‌زودی با «کافه ژوله» در نمایش خانگی بیشتر دیده شود! وضعیت تلویزیون هم بهتر از سینما و خانگی نیست. کلاه‌خداشناس در حالی «آلا» را روی آنتن شبکه ۳ دارد که تا چند روز پیش با «فت صبح» در شبکه یک هم دیده می‌شد و هادی حجازی‌فر یکی از بازیگران اصلی ۲ مجموعه بازپخش متوالی شبکه یک، یعنی «عاشورا» و «منطقه پرواز ممنوع» بود. همین حالا هم جعفر دهقان هم‌زمان ۲ سریال «آلا» در شبکه ۳ و «حکایت‌های کمال ۲» در شبکه ۲ دارد و حسام منظور، احمد کاوری، سیدمهراد ضیایی و ایوب آقاخانی، ۴ بازیگری‌اند که هم‌زمان «تجلا ۲» را در بکس دوم سریالی شبکه ۳ و «همهان‌کشی» را در شبکه یک روی آنتن دارند!



مثال، اگر هر فیلم‌بین ایرانی در طول سال به طور متوسط ۲۰ فیلم و سریال تماشا کند، یعنی تقریباً ۱۰ درصد تولیدات سالانه سینما، تلویزیون و نمایش خانگی را تماشا کرده. در مقابل، این عدد برای تماشاگر آمریکایی که از میان حدود ۷۵۰ فیلم و حدود ۴۵۰ سریال دست به انتخاب می‌زند، حدود ۱۵ درصد است. روشن است که شمار بازیگران تکراری در ۱۵ درصد از آثار سالانه یک کشور، بسیار کمتر از تعداد چهره‌های تکراری در ۱۰ درصد از تولیدات سالانه ایران است. به همین دلیل، با وجودی که ممکن است تعداد آثار هر بازیگر در طول سال، در ۲ کشور تقریباً مساوی یا نزدیک به هم باشد، ولی بازیگران ایرانی بسیار بیشتر به چشم می‌آیند و گویی تکراری‌ترند.



روند بازگشت سرمایه را سریع‌تر و محتمل‌تر می‌کند. در مقابل، نتیجه این رفتار، تکرار چهره‌ها و نبود تنوع در بازیگران و نقش‌هاست که به مرور باعث یکنواختی تولیدات می‌شود و فرصت دیده شدن و تجربه کردن نقش‌های مهم را از جوانان و بازیگران جدیدی که استعداد و انرژی دارند، می‌گیرد. این امر می‌تواند در بلندمدت به این صنعت ضربه زده و به رکود در کیفیت و ناواری آثار هنری منجر شود و صنعت فیلم و سریال را به سمت محافظه‌کاری بیشتر سوق دهد.

نگاهی به فهرست بازیگران محصولات پلتفرم‌های وی‌اودی –که بالاتر هم خواندید– نشان می‌دهد این سرویس‌ها به جای اینکه به دنبال کشف و تربیت بازیگران تازه‌نفس و بااستعداد باشند، ترجیح می‌دهند روی بازیگران مشهور و از قبل شناخته‌شده سرمایه‌گذاری کنند. این رویکرد به دلایل مختلف اتخاذ می‌شود؛ اول اینکه چهره‌های مشهور، تا حدی می‌توانند متضمن جذب کف قابل قبولی از مخاطب باشند و دوم اینکه از لحاظ اقتصادی، این انتخاب به نظر کم‌ریسک‌تر می‌آید و

### در شبکه‌های اجتماعی

@vatanemrooz

